

Original Article

The Evolution of the Goals of the Arbitration Institution in the Light of its Historical Developments

Yahya Aghaei¹, Behnam Habibi Dargah^{2*}, Heidar Hassan Zade³

1. PhD Student, Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
(Corresponding author) Email: Drhabibi1361@yahoo.com

3. Assistant Professor of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 5 Apr 2020 Accepted: 4 Aug 2020

Abstract

Background and Aim: International Institutions Are Recognized as one of the Most Important Legal Pillars in the Contemporary Era. For This Reason, There is a Set of Formal and Informal Institutions Whose Goals and Policies Need to be Examined in the Light of Their History and Developments in the Light of the Changes of the Time. The Purpose of the Present Study is to Change the Goals of the Arbitration Institution in the Light of the Historical Developments of this Institution.

Materials and Methods: The Method Used in the Present Study is a Qualitative one That Specifically Uses a Descriptive-Analytical Approach and has Collected Materials in a documentary and Library Way.

Findings: Arbitration Institution Today is out of the Traditional and Simple State and has Become an Agreement and Contract and has Codified Legal Rules. Membership and Acceptance in Them Requires the Normalization of Domestic Laws and Regulations in Order to Resolve an Important Part of Legal Disputes in Various Issues. The Arbitration Body Does not have a Specific Organizational Structure. Also, The Interpretation of the Legal Rules of the Arbitral Institution and the Domination of Some Countries Over its General Legal Rules is Considered as one of the Challenges of the Arbitral Institution and an Obstacle to its Learning.

Conclusion: In Terms of the Impact of Historical Events, the Acceptance of Conventions (Especially the 1958 New York Convention), the 1958 UNCITRAL Model Law, the Model Laws on Arbitration, the Establishment of Arbitration Institutions, the Oil Crisis of the 1970s, The Growth and Development of International Trade. In the Present Era, it is one of the Most Important Reasons for the Expansion of the Rules and Goals of the Arbitration Institution, Which has Undergone Several Transformations According to the Developments.

Keywords: Arbitration; Historical Developments; International Institutions; Governments of Respect for Individual Freedom; Principle of Usefulness; Principle of Non-Harm; Principle of Justice

Please cite this article as: Aghaei Y, Habibi Dargah B, Hassan Zade H. The Evolution of the Goals of the Arbitration Institution in the Light of its Historical Developments. *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 73-85.

تحول اهداف نهاد داوری در پرتو تحولات تاریخی آن

یحیی آقایی^۱، بهنام حبیبی درگاه^{۲*}، حیدر حسن زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Drhabibi1361@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: نهادهای بین‌المللی یکی از ارکان حقوقی مهم در دوران معاصر شناخته می‌شوند. به همین دلیل، مجموعه‌ای از نهادهای رسمی و غیررسمی وجود دارند که بررسی اهداف و سیاست‌های آنان نیازمند بررسی تاریخی و تحولات آنان در پرتو تحولات زمانه است. هدف پژوهش حاضر، تحول اهداف نهاد داوری در پرتو تحولات تاریخی این نهاد است.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده پژوهش حاضر کیفی است که به طور مشخص از رویکرد توصیفی - تحلیلی بهره می‌برد و به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای مطالب را جمع‌آوری نموده است.

یافته‌ها: نهاد داوری امروزه از حالت سنتی و ساده خارج شده و به شکل توافقی و قراردادی درآمده و دارای قواعد حقوقی مدونی است. عضویت و پذیرش در آنان نیازمند بهنجارسازی قوانین و مقررات داخلی است تا از این طریق بتوان بخش مهمی از اختلافات حقوقی در مسائل مختلف را حل نمود. نهاد داوری دارای ساختار سازمانی مشخصی نیست. همچنین تفسیرپذیری قواعد حقوقی نهاد داوری و سیطره برخی کشورها بر قواعد حقوقی عام آن یکی از چالش‌های نهاد داوری و مانعی برای فراگیری آن در نظر گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری: به لحاظ تأثیر حوادث تاریخی، پذیرش کنوانسیون‌ها (به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک)، قانون نمونه آنسیترال ۱۹۵۸، قوانین نمونه راجع به داوری، تشکیل نهادهای داوری، بحران نفت در دهه ۱۹۷۰، رشد و توسعه تجارت بین‌المللی و همچنین دعاوی و اختلافات قدرت‌های بزرگ در عصر حاضر از مهم‌ترین دلایل گسترش قواعد و اهداف نهاد داوری است که برحسب تحولات، دچار دگردیسی‌های متعددی گشته است.

واژگان کلیدی: داوری؛ تحولات تاریخی؛ نهادهای بین‌المللی؛ دولت‌ها

مقدمه

افزایش تعداد سازمان‌های بین‌المللی در قرن بیستم موجب شد که این سؤال مطرح گردد که آیا اقدامات سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان به‌عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل مورد شناسایی قرار داد. در این خصوص عقاید موافق و مخالف وجود دارد. برخی با پذیرش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و همچنین جنبه تعهدآور قوانین و قواعد آنان، نقش دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی را به پذیرش قواعد حقوقی سوق می‌دهند و برخی دیگر نیز اصول مهمی از جمله رضایت واقعی و نقش‌آفرینی بازیگران دولتی و غیردولتی را عاملی برای موفقیت قواعد حقوقی در عرصه بین‌المللی می‌دانند. در هر صورت، حل‌وفصل اختلاف بین سازمان‌های بین‌المللی یکی از مسائل مهم در حوزه حقوق بین‌الملل می‌باشد که اولین قدم، برخورد با حسن نیت است. از آنجا که نظام بین‌المللی تابع حاکمیت قانون است، سازوکارهایی باید وجود داشته باشد تا اجرای عینی و عملی این قواعد را در اختلافات بین بازیگران عرصه بین‌المللی تضمین نمایند.

یکی از نهادها و قواعد مهم بین‌المللی، نهاد داوری است که آثار تصمیمات حقوقی آن در حوزه‌های مختلف بین‌المللی گسترده شده است. اصولاً در محاکم داوری می‌بایست موضوع قرارداد یا اختلاف در هر قرارداد داوری، حدود اختیارات، نقش داوران و تشریفات رسیدگی، به صراحت ذکر گردد. موضوع قرارداد داوری عبارت است از موضوع اختلاف که باید کاملاً مشخص و معین باشد تا داوران درباره امری مشخص و معین مطالعه و اظهارنظر نمایند و حدود اختیارات خود را بدانند و از آن تجاوز نمایند؛ کیفیت انتخاب داوران، اصول و قواعدی که مبنای رسیدگی و صدور حکم قرار می‌گیرد و تعهد دولت‌های امضاکننده که با حسن نیت حکم داوری را قبول و اجرا می‌کنند و ... معمولاً در قراردادهای داوری تعداد داوران و ترتیب انتخاب آنان تعیین و تصریح می‌گردد، البته دولت‌ها در موقع انعقاد قرارداد داوری آزادی کامل دارند، تا به هر نحو صلاح و منطقی بدانند راجع به تعداد و خصوصیات داوران توافق نمایند.

به هر حال، یکی از اهداف اساسی پژوهش حاضر بررسی تحول اهداف نهاد داوری در پرتو تحولات تاریخی است و این

سؤال مطرح می‌شود که تحولات تاریخی این نهاد چگونه اهداف و آرمان‌های این نهاد را تحت تأثیر قرار داده است.

پیشینه تحقیق

بررسی پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده در حوزه بررسی نهاد داوری در داخل می‌تواند نشانگر اهمیت مطالعات در این زمینه و پشتوانه‌ای برای مطالعات پیش‌رو در این زمینه باشد. به همین دلیل به چند مورد در این زمینه اشاره می‌شود:

مقاله حاجی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) تحت عنوان قلمرو اعمال قانون در داوری تجاری بین‌المللی بر اهمیت نهاد داوری در امور تجاری تأکید می‌کند و بر این عقیده هستند که فقدان این نهاد منجر به گسترش اختلافات بین‌المللی در حیطه تجارت بین‌المللی می‌شود. مقدم ابریشمی و محبوب (۱۳۹۵) نیز در مقاله ساختار حقوقی نظام داوری: سیستم واحد یا دوگانه؟ به این نتیجه می‌رسند که توسعه نهاد داوری در ایران نیازمند قوانین مدرن و سازگاری با وضعیت حقوقی بین‌المللی است که البته در وهله اول می‌بایست واحد و یگانه باشد. همچنین نیازمند قانون جامع داوری نیز هستیم. نیکبخت (۱۳۸۸) نیز در اثر خود با عنوان داوری تجاری بین‌المللی (آیین داوری)، بخش‌های مهمی از اثرگذاری نهاد داوری را در حیطه تجارت بین‌المللی بررسی می‌کند که از این جهت الگویی برای توسعه حقوقی تجارت بین‌المللی در نظر گرفته می‌شوند. لعیا جنیدی (۱۳۷۶) نیز در اثری با عنوان قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی، بخش مهمی از تجارت بین‌الملل و رشد آن را مرهون داوری و قوانین شکل گرفته در این زمینه می‌داند. نویسنده بر این عقیده است که با رواج نهاد داوری در حیطه تجارت، بخش مهمی از قوانین و مقررات به سمت رعایت عدالت پیش رفته است. صفایی (۱۳۷۰)، نیز در اثری با عنوان حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، داوری بین‌المللی را یکی از راه‌های حقوقی مؤثر در زمینه دستیابی و فراگیری حقوق بین‌الملل می‌داند که رعایت اصول و قواعد حقوقی توسط همه کشورها می‌تواند باعث اثربخشی بیشتر آن گردد.

پژوهش‌های ذکرشده و سایر پژوهش‌هایی که در حیطه بررسی نهاد داوری به رشته تحریر درآمده است، غالباً بر

تعاریف، کارکرد نهاد داوری در حیطه حقوق تجارت و توسعه تجارت بین‌الملل متمرکز شده‌اند، هرچند پژوهش حاضر نیز بحث نهاد داوری را محور بحث قرار داده است، اما تحول اهداف آن به‌عنوان رویه‌ای تاریخی باعث تمایز پژوهش حاضر از سایر پژوهش‌ها شده است. بنابراین وجه تمایز پژوهش حاضر از مطالعات پیشین آن است که به بررسی تحولات اهداف نهاد داوری در پرتو تحولات تاریخی آن می‌پردازد. بنابراین آنچه مورد بررسی قرار می‌گیرد، سیر تاریخی و گذر زمانی است که اهداف نهاد داوری را به سمت اهداف جدیدی سوق داده است.

اصطلاحات

۱- داوری

داوری اصطلاحی است که قبل از هر چیز، معنای قضاوت و میانجی‌گری را به اذهان متبادر می‌سازد. طبق ماده ۷ قانون داوری نمونه آنستیرال ۱۹۸۵ موافقت‌نامه داوری توافق (قراردادی) است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی اختلافات به وجود آمده در مورد یک رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیرقراردادی یا اختلافاتی را که ممکن است (در رابطه با آن ارتباط حقوقی معین) پیش آید به داوری ارجاع می‌شود. موافقت‌نامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در یک قرارداد یا به صورت موافقت‌نامه جداگانه باشد.

موافقت‌نامه داوری بایستی به صورت کتبی باشد. موافقت‌نامه در صورتی کتبی است که طی سندی (نوشته‌ای) به امضا طرفین رسیده باشد، یا طی مبادله‌نامه‌ها، تلگراف یا سایر وسائل مخابراتی، که وجود موافقت‌نامه را اثبات نماید، آمده باشد یا یکی از طرفین طی مبادله دادخواست یا دفاعیه، وجود آن را ادعا کند و طرف دیگر آن را تکذیب ننماید.

۲- مبانی نظری؛ داوری و اهداف آن

داوری از نظر تاریخی دارای قدمت زیادی است و از زمان‌های خیلی دور این روش حل اختلاف وجود داشته است (۱). در دوران باستان و در بین‌النهرین و خصوصاً بین شهرهای یونان و نیز در قرون وسطی از این روش به منظور حل اختلافات سیاسی و مرزی و غیره استفاده می‌شد. مثلاً در محدوده فرهنگ اسلامی از همان صدر اسلام داوری به‌عنوان یک روش

حل اختلاف به کار گرفته شده است و داوری‌هایی که در زمان رسول اکرم (ص) و نیز در زمان امام علی (ع) برای حل اختلافات اعمال گردید. داوری حضرت علی (ع) در قبیله بنی‌نظیر، با مسلمانان و داوری ابوموسی اشعری میان حضرت علی (ع) و معاویه مشهور است و ارزش تاریخی دارند (۲).

براساس شواهد تاریخی، در عهد سلوکیان نیز سیاست جنایی مشارکتی حرف اول را در حل‌وفصل اختلافات مردم ایران می‌زد. بر اساس اطلاعات موجود در بین اشکانیان مرسوم بوده است که جنایاتی که در درون یک خانواده رخ می‌داده است؛ همانند قتل اعضای خانواده به دست یکدیگر و یا اختلافات سرزمینی، قومی و ... که با شیوه داوری به انحاء خاص آن زمان انجام می‌شد. چون به نظر آن‌ها این مسائل تنها به حقوق خانواده مذکور و نه بقیه افراد جامعه خلل وارد می‌کرده است. خود آن‌ها می‌توانستند به آن رسیدگی کنند. کاربست سیاست جنایی مشارکتی دوره اشکانی نه‌تنها ایرانیان را دربر می‌گرفت، بلکه اقلیت یهودی ساکن در ایران نیز از آن بهره می‌بردند (۳). شاید بزرگ‌ترین تحول در زمینه سیاست جنایی در عهد باستان را با سرکار آمدن اردشیر بابکان در عهد ساسانی شاهد باشیم. یکی از ویژگی‌های برجسته نظام حقوقی ساسانیان به‌عنوان رویکردی مشارکتی به نظام دادگستری تأسیس نهاد داوری و ریش‌سفیدی در کنار نظام قضایی است. در ایران باستان زندگی اجتماعی به شکل دودمانی بوده و در این نظام رؤسای بخش‌های مختلف دودمان، پدر تا رئیس دودمان هریک در محدوده‌ی تحت ریاست خود قدرت رسیدگی به مسائل و حل‌وفصل اختلافات را داشته‌اند.

در دوران پس از ورود اسلام نیز، تحت نظر تعالیم اسلام، بر دعوت به صلح و سازش، اصلاح ذات‌البین مطرح شده است. اصطلاح ذات‌البین، به معنای پای در میان نهادن اشخاص ثالث و به منظور رفع اختلاف بین دو مسلمان و نزاع آنان را به صلح و سازش ختم کردن است که از دستورات اکید اسلام به مؤمنان بوده و در قرآن کریم نیز آمده است: «ما المومنون الصلح الخیر» (۴). یا در جای دیگری آمده است: «انما المومنون اخوه فالصلحوا بین اخویکم». «همانا مؤمنان برادرند، پس میان برادران خود سازش برقرار کنید» (۴).

می‌شود، رویکردهای شناخته شده در عرصه‌های حقوقی است که اختلافات و مسائل میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را به روش‌های مختلف حل می‌نماید.

تجزیه و تحلیل

۱- تحول اهداف نهاد داوری در تاریخ

نهاد داوری نیز همانند سایر نهادهای بین‌المللی برحسب شرایط زمانی و مکانی دچار تغییر می‌شود. طبق ماده ۳۷ کنوانسیون اول ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ لاهه جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی: «هدف از داوری بین‌المللی حل و فصل دعاوی میان دولت‌ها توسط داوران منتخب آنها بر مبنای محترم شمردن حق است». مطابق با ماده ۳۸ اساسنامه ۱۹۴۵ دیوان بین‌المللی دادگستری، مبنای حل اختلاف از طریق داوری همچون طرق قضایی در اراده دولت‌های درگیر نهفته است. در صورتی که در حقوق داخلی بنیان تمامی حق قضاوت در نظام قانون نهفته است.

بدین ترتیب، با پیشرفت زمان و تحول تاریخی داوری در سه شکل تجلی پیدا می‌کند.

الف) داوری توسط رئیس کشور پاپ و سایر رهبران مذهبی با یک قاضی یا یک حقوقدان یا دیپلمات

ب) داوری توسط کمیسیون مختلط (MIXED OR JOINT COMISSION)

پ) داوری به وسیله دادگاه

تحول داوری با وقوع حادثه آلاباما (ALABAMA) به اوج خود رسید و دنیا شاهد حل اختلاف دو قدرت بزرگ از طریق داوری بود. داوری کم‌کم از جنبه سیاسی به جنبه حقوقی پیشرفت نمود، کنفرانس‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه مسئله داوری را مدنظر قرار داده و در نهایت داوری اجباری (ARBITRATION OBLIGATORY) برای اولین بار، کم‌وبیش مورد قبول واقع گردید و خصوصاً در سال ۱۹۲۰ به بعد دولت‌های مختلف در حل مسالمت‌آمیز اختلافات بدان توسل جستند و میثاق جامعه ملل در مواد ۱۲ و ۱۳ خود رجوع به داوری را برای حل اختلافات بین دولت‌ها الزامی دانسته است. تحول بعدی داوری با پایان جنگ جهانی دوم

بدین ترتیب در آیات قرآن بر ترجیح عفو بر قصاص تصریح شده است. همچنین در قرآن کریم مسلمانان به همکاری و تعاون با یکدیگر در امور خیر فراخوانده شده‌اند و در امور شر نیز از تعاون و همکاری منع گشته‌اند که مصداق آن آیهی شریفه‌ی «تعاونوا علی البر و اتقوا و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» که یکی از این مصادیق در امور خیر، مشارکت و همکاری در رفع اختلافات ناشی از جرائم است. در روایات نیز به این معنی توجه بسیار شده است (۵). بنابراین از جمع تمامی این روایات و آیات، اهمیت رفع خصومت و حل اختلاف مردم خارج از دایره قضا و قانون از دیدگاه اسلام مشخص می‌شود.

در سطح جهانی و بین‌المللی نیز، انقلاب و پیشرفت‌های صنعتی و علمی، رشد شهرسازی و شهرنشینی، ایجاد تسهیلات تدریجی در امر ارتباطات، حمل و نقل کالاها و رفت و آمد انسان‌ها میان کشورها سبب شده است که کشورها، به‌ویژه از نیمه دوم سده‌ی نوزدهم به این‌سو، با افزایش موج جرائم و اشکال نوین بزه‌کاری روبه‌رو شوند. شکست ابزارها و نهادهای حقوق کیفری کلاسیک در امر مهار بزه‌کاران و عقب راندن موج بزه‌کاری جرم‌شناسان اروپایی را بر آن داشت تا با مطالعات و تحقیقات و برنامه‌ریزی‌های خود ماهیت و علل ارتکاب جرم را مطالعه کنند و از سوی دیگر، برای کنترل بزه‌کاری، راه‌های مؤثرتری با همکاری هم بیابند (۶). علاوه بر این، شرط حکمیت عام و خاص نیز در بطن داوری دیده می‌شود. بدین معنا که تعهد طرفین برای توافق در زمینه‌ای خاص منجر به ایجاد معاهده و یا توافقی دو طرفه می‌گردد. بنابراین مراد از حکمیت در امر داوری، قیدی است که طرفین قرارداد در طی آن خودشان را مقید می‌نمایند که در صورت بروز اختلاف پیرامون تفسیر یا اجرای آن عهدنامه یا قرارداد آن را به داوری ارجاع نمایند، شرط حکمیت نیز ممکن است به دو صورت در متن قرار داد انشاء گردد (۷).

اما می‌توان گفت تاریخ داوری بین‌المللی جدید از زمان قرارداد منعقد بین انگلستان و امریکا؛ یعنی قرارداد جی (JAY) در سال ۱۷۹۴ آغاز می‌شود (۸). بنابراین آنچه امروزه تحت عنوان داوری در مجامع داخلی و بین‌المللی از آن یاد

نمی‌توان دائمی بودن آن را پذیرفت؛ زیرا به صورت یک رکن جمعی تشکیل شده است و فقط اسامی داوران بین‌المللی را به دست می‌دهد و کشورها با انعقاد موافقت‌نامه داوری موضوع را به دیوان ارجاع و آزادانه می‌توانند یک یا چند داور یا سرداور انتخاب نمایند. تنها رکن دائمی دیوان «دفتر بین‌المللی» است که وظیفه آن کلیه امور اداری و دفتری دیوان و عامل برقراری ارتباط دیوان با کشورهای عضو است. مقر دیوان شهر لاهه هلند است.

۳- تحولات بین‌المللی و اهداف نهاد داوری

در اولین کنفرانس صلح لاهه که به ابتکار نیکلاس دوم، تزار روسیه، در سال ۱۸۹۹ تشکیل داد دولت‌ها قصد داشتند، ضمن جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و تدارکات جنگی که بین آنان پیدا شده بود؛ شیوه‌های حل اختلافات بین‌المللی را بررسی نمایند. در مذاکرات کنفرانس مذکور پیشنهاد متعددی برای رسیدگی به اختلافات ناشی از قراردادهای و رفع منازعات از طریق مسالمت‌آمیز مطرح شد. این مذاکرات و پیشنهادات منتهی به تصویب اخیر معاهده گردید که از آن جمله کنوانسیون شماره یک آن کنوانسیون تحت عنوان، کنوانسیون حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی^۳ می‌باشد.

قسمتی از این کنوانسیون مربوط به چگونگی تشکیلات دیوان دائمی داوری است.^۴ هفت سال پس از تأسیس دیوان، کنفرانس دیگری متشکل از نمایندگان دولت‌ها در لاهه تشکیل گردید. دومین کنفرانس صلح لاهه به وسیله روزولت رئیس‌جمهور ایالت امریکا که نقش عمده‌ای در پایان دادن جنگ روسیه و ژاپن در سال ۱۹۰۷ داشت تشکیل شد. قبل از تشکیل این کنفرانس‌ها تمامی توافق‌نامه‌های رجوع به داوری، داوری اختصاصی و موردی بود. یعنی هرگاه بین دو کشور اختلافی بروز می‌کرد و در نتیجه می‌خواستند اختلاف از طریق یک کمیسیون داوری حل‌وفصل شود؛ طرفین پس از مذاکرات طولانی یک توافق‌نامه با قرار رجوع به داوری را امضا و ضمن

شروع شد و در ماده ۳۳ منشور ملل متحد در فصل ششم تحت عنوان حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، داوری را به‌عنوان یک راه‌حل حقوقی در نظر گرفت. ایجاد جامعه ملل (LEAGUE OF NATIONS) و جنبش ملت‌هایی به نفع حمایت از صلح، موجب پیشرفت‌های دیگری در زمینه داوری شد. پیمان داوری (GENERAL ACT OF ARBITRATION)، قراردادهای منطقه‌ای مربوط به حل مسالمت‌آمیز اختلافات از جمله پیمان بوگوتا (۱۹۴۸) بین کشورهای آمریکایی، قرارداد اروپایی، (۱۹۵۷) پروتکل قاهره (۱۹۶۵) و تأسیس دیوان دائمی داوری (۱۸۹۹) از آن جمله پیشرفت‌ها است.

۲- دیوان دائمی داوری

اگرچه روش داوری مورد استفاده کشورها بوده است و پیشرفت قابل توجهی هم کرده بود، اما به جهت اتفاقی و غیردائمی بودن با معایب و نارسایی مواجه بوده است؛ بنابراین برای پایان دادن به چنین مشکلاتی در سال ۱۸۹۹ شرکت‌کنندگان اولین کنفرانس لاهه نمایندگان ۲۶ کشور تأسیس یک دیوان دائمی داوری را طرح‌ریزی نمودند. دادگاهی که پیش از بروز اختلاف ایجاد شود و حالت تحمیل‌کننده نداشته باشد و به آزادی کشورها لطمه وارد نسازد و آنها را راهنمایی کند و مراجعه به آن آسان باشد. ازاین‌رو در کنفرانس مذکور در یکی از معاهدات منعقد دیوان دائمی داوری ایجاد شد. این معاهده در ۱۸ اکتبر سال ۱۹۰۷ مورد تجدید نظر قرار گرفت و تکمیل گردید. این دیوان یک سازمان اولیه و ابتدایی است از پیش از ۱۶۰ عضو تشکیل شده است.^۱ هر کشور طرف معاهده مؤسس دیوان حق انتخاب چهار داور از اتباع خود با بیگانه را برای مدت شش سال دارد. این چهار نفر «گروه اصلی»^۲ آن کشور را تشکیل می‌دهند. این دیوان در نوزدهم سپتامبر ۱۹۰۰ تأسیس شد و اولین جلسه شورای اداری خود را در ۹ آوریل ۱۹۰۱ تشکیل داد. دیوان مذکور اسمی با مسمی نمی‌تواند باشد؛ اصولاً دادگاه نیست و

۱. طبق اساسنامه دیوان ب م دادگستری در معرفی کاندیدهای قضات دیوان ب م دادگستری نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

2. National group

3. Convention for the pacific settlement of international disputes

۴. مواد ۳۰-۲۹ کنوانسیون سال ۱۸۹۹

تعیین موضوع اختلاف، داورانی را که باید در مورد اختلاف حکم صادرکننده معین می‌کردند و این برای اولین بار بود که مسئله داوری اجباری در یک عهدنامه مهم مطرح می‌شد و کشورها به وسیله داوری اجباری با شک و تردید می‌نگریستند و البته بعضی از اختلافات مهم که اهمیت خاصی برای کشورها داشت از داوری اجباری مستثنی شد.

در اواخر قرن نوزدهم، اختصاص بودجه‌های عظیم برای تسلیحات، از سوی کشورهای اروپایی، روسیه را بر آن داشت تا برای جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی موجود، دست به ابتکار عمل بزند و اولین کنفرانس صلح لاهه را در سال ۱۸۹۹ برگزار کند. کنفرانسی که ادامه یافت و دومین آن در سال ۱۹۰۷ برگزار شد. در نخستین کنفرانس ابراز امیدواری شده که دولت‌ها برای جلوگیری از بروز جنگ و حل و فصل اختلافات خود، از آیین داوری استفاده کنند. در کنفرانس دوم به این امر، توجه بیشتری داده شد و اصل داوری اجباری برای کلیه اختلافات ناشی از تفسیر معاهده در ماده ۳۸ آن مطرح شد. کنفرانس اول لاهه دیوان دائمی داوری را بر اساس معاهداتی که به تصویب کشورها رسید به وجود آورد که در کنفرانس دوم تکمیل و اصلاح شد (۹).

در قرن نوزدهم داوری تکامل پیدا کرد و کنفرانس دوم صلح لاهه برای مرتفع ساختن برخی مشکلات کنوانسیون شماره یک مربوط به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات دولت‌ها بود. این کنوانسیون مشتمل بر ۹۷ ماده و در واقع آئین دادرسی دیوان می‌باشد و اکثر مواد آن یعنی ۵۴ ماده مربوط به داوری است.^۱ طی کنوانسیون شماره یک، کنفرانس ۱۹۰۷ تا حدودی نواقص کنوانسیون شماره یک ۱۸۹۹ را برطرف کرد. پس از تشکیل دیوان دائمی دادگستری بعد از جنگ جهانی اول دیوان دائمی داوری به حیات خود ادامه داد و خدمات جالبی انجام داد، اما بعد از جنگ جهانی دوم تعداد دعاوی ارجاعی به دیوان دائمی داوری کاسته شد. در نتیجه شورای دیوان در ۱۹۵۹ دستورالعملی تنظیم نمود تا همچنان اقبال به آن کاسته نشود.

الف) شورا معتقد است که امضاکنندگان عهدنامه مربوط به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی منعقد در سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۷ عندالزوم بسیار گسترده‌تر از گذشته به آن دیوان توسل جسته و اعضای شورا متعهد شدند که این نظر را به دولت مطبوع خود اعلام نمایند.

ب) شورا به دفتر مأموریت می‌دهد که با نظر رئیس شورا در مورد نحوه تأثیرگذاری بیشتر دیوان در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی مطالعه نمایند و اعضای شورا این دو دیوان را به هیچ وجه به منزله دو رقیب تلقی نمی‌کنند.

با وجود این دستورالعمل، دیوان فعالیت چندانی نداشت، ولی پس از تصویب قواعد اختیاری دیوان در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۴ تحول عظیمی در نقش‌آفرینی دیوان و اقبال رو به گسترش در مراجعه به دیوان به چشم می‌خورد تا سال ۱۹۳۴ حدود ۲۱ مورد و تا سال ۱۹۵۰ حدود ۲۸ مورد از طریق هیأت داوری بین‌المللی در چارچوب دیوان داوری مورد رسیدگی قرار گرفت. نهادها و قوانین وابسته به نهاد داوری نیز دارای اهداف مشخصی هستند. به عنوان مثال، درباره نهادهای مرتبط با مالکیت معنوی و قوانین مرتبط با آن باید گفت که این مرکز تأیید می‌نماید که خواهان تصمیماتی است که بر اساس UDRP و قوانین و رویه متحدالشکل توسط واپو در این خصوص اخذ گردد (۱۰).

با این حال، دیوان داوری دارای ماهیت بین‌المللی است. دیوان دائمی داوری متعلق به نظام حقوق بین‌المللی است و بنابراین آراء آن جنبه بین‌المللی خواهد داشت و از حیث اجراء مشمول قواعد ناظر بر اجرای احکام بین‌المللی (بین‌الدولی) است و ادعاهایی که به دلیلی ماهوی رد شوند یا غیر قابل استماع تشخیص داده و مردود اعلام گردند، چون به اعتبار یک ترتیبات بین‌المللی عرفی یا مدون صادر شده باشند؛ به عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل ارزش رویه‌ای خواهد داشت، البته رجوع به دیوان برای طرفین اختلاف اجباری نمی‌باشد؛ زیرا با وجود دیوان دائمی داوری دولت‌ها می‌توانند و مختارند هرکس را مایلند خواه روسای کشورها خواه علمای حقوق و خواه رجال سیاسی را به داوری انتخاب کنند (۱۱).

۴- تحولات سازمانی نهاد داوری

در حقوق بین‌الملل صلاحیت دادگاه‌ها منحصرأً مبین تفکیک وظایف میان مراجع حقوقی نیست، بلکه دلالت بر آن دارد که بخشی از حاکمیت ملی دولت به نهادهای بین‌المللی تفویض شده است. بدین سبب، مسئله صلاحیت اجباری دیوان رابطه‌ای تنگاتنگ با حاکمیت دولت‌ها دارد. نقشی که این صلاحیت قضایی و گسترش آن می‌تواند بر جلوگیری از بروز بحران‌های بین‌المللی ایفا کند بسیار سازنده است. اگر طرفین راهی برای حل و فصل حقوقی اختلاف خود داشته باشند به ندرت ستیز می‌کنند. به‌ویژه اگر یکی از طرفین بتواند به صورت یک جانبه موضوع اختلاف را در یک دادگاه بین‌المللی اقامه نماید. اختلافاتی که لاینحل می‌مانند به مثابه آتش زیر خاکسترند و زمانی که شرایط ایجاب نماید، شعله‌ور می‌گردند و صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد. این عبارت که «اختلافات بین‌المللی یا به وسیله سلاح حل و فصل می‌شوند و یا به وسیله قلم» (۱۲). سخنی است نغز و حاکی از اهمیتی است که روش‌های صلح آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی می‌تواند در جامعه بین‌المللی عصر حاضر داشته باشد.

از سوی دولت‌های متعهد کنوانسیون ۱۸۹۹ یا ۱۹۰۷ لاهه از میان حقوق دانان واجد صلاحیت و مشهور در زمینه حقوق بین‌الملل که از نظر اخلاقی در کشور خود از حسن شهرت و برجستگی خاصی دارا می‌باشند، چهار نفر را به دیوان معرفی می‌کنند که مجموعاً ۲۶۰ داور در هیأت‌های متشکل از این حقوقدانان در لیست کلی در دیوان قرار دارند. چهار نفر معرفی شده از سوی کشورها به‌عنوان (گروه اصلی)^۱ دولت شناخته می‌شوند و خود به خود در فهرست نامزدهای انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری قرار می‌گیرند.^۲ اعضای دیوان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند و تجدید انتخاب آنها بلامانع است. هرگونه انتصاب داوران می‌بایستی از طریق دفتر بین‌المللی به سایر اعضا اطلاع داده شود. توافق دولت‌ها به انتخاب یک یا چند عضو مشترک به‌عنوان داور بلامانع است و ممکن است یک نفر نماینده دو دولت باشد. در سالنامه شورای

اداری دیوان، فهرست، نام و نشانی و مختصات داوران، همه ساله منتشر می‌گردد. چنانچه کشورهای یک طرف اختلاف، بخواهند اختلاف خود را از طریق دیوان دائمی داوری فیصله بدهند، باید به دفتر دیوان دائمی مراجعه و یک یا چند نفر از اشخاص مذکور در فهرست منتشر شده را بر طبق موافقت‌نامه رجوع به داوری انتخاب نمایند^۳ و یک هیأت داوری ویژه و موقت در درون دیوان دائمی تشکیل می‌دهند. این هیأت داوری پس از رسیدگی به اختلاف و صدور رأی منحل می‌شود.^۴ اگرچه براساس مقررات کنوانسیون ۱۹۰۷ اعضا می‌بایست از بین اشخاص مندرج در فهرست دیوان دائمی انتخاب شوند، اما در عمل دولت‌ها ترجیح می‌دهند که در انتخاب داوران آزادی کامل داشته باشند، حتی اگر شخص مورد نظر آنها خارج از فهرست اعلامی دیوان قرار داشته باشد، البته این موضوع با توسل به ماده ۴۷ کنوانسیون ۱۹۰۷ قابل توجیه است، چرا که برابر این ماده به دفتر بین‌المللی دیوان اجازه داده شده است، تا دفاتر و کارمندان خود را در اختیار دولت‌های متعهد برای استفاده از (هیأت ویژه داوری) قرار دهد.^۵

در خصوص ارکان دیوان باید عنوان داشت که دیوان شامل موارد ذیل است:

الف) دفتر بین‌المللی

دبیرخانه دیوان پایه و اساس دیوان دائمی حکمیت لاهه می‌باشد، که به‌عنوان دفتر بین‌المللی^۶ شناخته می‌شود. دفتر بین‌المللی مهم‌ترین رکن دیوان است و تحت نظارت و ریاست دبیر کل به‌عنوان عامل ارتباطی برای تبادل اطلاعات و ارتباط با طرفین دعوا عمل می‌کند. کارمندان دفتر بین‌المللی متشکل از دبیر اول، دبیر دوم، دبیر مترجم، سخن‌گو و سایر کارمندان دفتر بین‌المللی از افشای شغاهی یا کتبی اسناد و مکاتباتی که نزد دیوان سپرده شده است منع شده‌اند. برای آشنایی بیشتر با جایگاه دفتر به بررسی نقش دفتر بین‌المللی (دبیرخانه) و دبیر کل در دو مبحث پرداخته می‌شود.

۳. موافقت‌نامه رجوع به داوری که قبلاً بین خود امضاء کرده‌اند.

۴. ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۸۹۹

5. Special board of Arbitration

6. International bureau

1. National Group

۲. ماده ۲۳ کنوانسیون ۱۸۹۹

۱) وظایف دبیرخانه را می‌توان بشرح ذیل ذکر نمود:

- ارسال و دریافت پیام‌ها^۱
- مسئولیت امور دفتری از قبیل ثبت دادخواست‌ها - ابلاغ اوراق قضایی
- تعیین وقت جلسه هیات داوری و سایر امور
- حفاظت و نگهداری از اسناد و بایگانی منظم آنها
- مشاوره و ارائه اطلاعات در جهت کمک به طرفین در حل اختلاف حتی اگر طرفین عضو کنوانسیون‌های لاهه هم نباشد.
- تشکیل کمیته‌های تخصصی در زمینه تدوین قواعد اختیاری در موضوعات مختلف و تهیه فهرست دعاوی مبتلا به دعاوی جمعی
- تدارک امکانات و تجهیزات برای دیوان‌ها از جمله تدارک اتاق‌های دادرسی، مکان‌های اداری و سایر خدمات مربوطه و حمایت‌های فنی
- تصدی ثبت دعاوی و امور اجرایی دبیرخانه‌ای در فرایند رسیدگی به دعاوی

این‌گونه فعالیت‌های دبیرخانه قابلیت و ظرفیت دفتر بین‌المللی را به طور قابل ملاحظه توسعه داده است. دفتر بین‌المللی در بعضی از موارد به‌عنوان دفتر ثبت عمل نموده است. از جمله داوری بین هلند و فرانسه در زمینه حفاظت از رودخانه راین در مقابل آلودگی و ... و داوری بین انگلستان و فرانسه در مورد امکانات و قدرت هسته‌ای انگلستان، دیوان دعاوی دولت‌های ایران، امریکا^۲ که مطابق قوانین طرفین، دفتر امکانات اداری - خدمات دبیرخانه‌ای دیوان دعاوی ایران - امریکا و مکان دادگاه را فراهم کرد. کمیسیون مرزی اریتره اتیوپی در فرآیند داوری بین بانک تسویه بین‌المللی در بانک و سه سهام‌دار خصوصی پیشین آن و ... شورای اداری.

شورای اداری^۳ سرپرست و ناظر بر امور اداری دیوان دائمی داوری است. براساس ماده ۴۹ کنوانسیون ۱۹۰۷ این شورا از نمایندگان دیپلماتیک کشورهای عضو که نزد دولت هلند

فرستاده رسمی دارند تشکیل شده است. وزیر امور خارجه هلند به مناسبت شغل خود همیشه رئیس این شورا است. ۱. اختیارات و مسئولیت‌های شورای اداری با توجه به مقررات دیوان دائمی داوری مسئولیت‌ها و اختیارات شورای اداری به شرح ذیل می‌باشد:

- تشویق کشورها به عضویت در دیوان دائمی داوری
- تصمیم‌گیری در مورد همه مسائل اداری دیوان
- ایجاد ارکان فرعی دیوان
- تصویب قواعد اختیاری دیوان در زمینه‌های مختلف
- تشویق به عمل برابر مقررات و دستورالعمل‌های دیوان
- اصلاح مقررات دیوان و تغییرات اساسنامه‌ای
- انتخاب دبیر کل دیوان دائمی داوری و ارائه شرح وظایف به دبیر کل
- بررسی بودجه و مقررات مالی دیوان که از سوی دبیر کل ارائه می‌گردد.

- بررسی و تنظیم مقررات مالی دفتر بین‌المللی

۲. روش کار شورای اداری دیوان دائمی داوری

مطابق مقررات دیوان همه تصمیمات دیوان در جلسات شورای اداری اتخاذ می‌شود. رئیس شورای اداری هر پیشنهادی که مربوط به دیوان دائمی داوری می‌باشد را به سایر اعضای شورا انتقال می‌دهد. دعوت به جلسه به وسیله شورا ۴۸ ساعت قبل از تشکیل جلسه صورت می‌گیرد. هر عضو می‌تواند در صورت لزوم از رئیس شورا تشکیل جلسه را درخواست کند در صورت غیبت رئیس شورا قدیمی‌ترین عضو به ترتیب ارشد بودن، جانشین وی می‌شود و اعضای که در لاهه هلند اقامت ندارند باید کد مکاتباتی برای ابلاغیه‌های شورا ارائه نمایند. تصمیمات شورا براساس دستور کار جلسه که در دعوت‌نامه ذکر شده است خواهد بود (۱).

رأی‌گیری براساس لیست حضور و بر مبنای حروف الفبا به ترتیب دولت‌های امضاکننده کنوانسیون صورت می‌گیرد و رئیس شورا در پایان رأی می‌دهد. تصمیمات براساس اکثریت آرا اتخاذ می‌شود و در صورت تساوی رأی، آن تصمیم رد شده محسوب می‌گردد و در مسائل مهم از جمله تصویب قواعد، انفصال، انتصاب دبیر کل تصویب بودجه ... می‌بایستی در

1. 1899 convention. Art 22

2. Iran-united states claims tribunal

3. Administrative Council

نشستی که حداقل پانزده روز قبل از جلسه ابلاغ شده است، اتخاذ شود.

امروزه کاربرد دیگری نیز درباره داوری دیده می‌شود و عرصه‌های حقوقی دیگری نظیر مبارزه با بزهکاری را نیز در دستور کار قرار داده است. فرایند ترمیم هر فرایندی را شامل می‌شود که در آن بزه‌دیده و بزهکار، یا سایر اشخاص یا اعضای جامعه که از واقعه مجرمانه متأثر شده‌اند، به طور فعال و مؤثر گردهم آیند تا مسائل و تعارضاتی را که از جرم پدید می‌آید، با همکاری و کمک یک عضو ثالث و بی‌طرف حل نمایند. نمونه‌های چینی فرایندهایی می‌تواند شامل «میانجیگری کیفری»، «گفتگوهای گروه‌های خانوادگی» و «مجلس‌های حکمیت و داوری» باشد (۱۳). ضمن این لایحه، جوابیه می‌تواند هرگونه ادعای متقابلی را در صورت تمایل مطرح نماید (۱۴).

۵- تفاوت داوری با سایر نهادها

در اینجا شایسته است که به تفاوت نهاد داوری و قضاوت نیز اشاره شود. شاید بتوان گفت تنها تفاوتی که در حقوق بین‌الملل، داوری را از حوزه قضاوت منفک می‌نماید، همانا نظام تشریفاتی و سازمانی است، در حالی که نهاد داوری اتفاقی است و از طریق قرارداد^۱ دو جانبه منعقد توسط اطراف اختلاف فقط جهت یک مورد دعوای مشخص و پس از حادث شدن این دعوی می‌باشد، سازمان قضایی از پیش بنیاد شده، به خصوص نه مستقیماً توسط خود اطراف، بلکه از طریق اجماع بین‌المللی جهت شمار بی‌پایان از دعوای برای زمانی بی‌پایان تاسیس گردیده است.

در داوری میان اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی داور یا داوران قدرت خود را از طریق توافقنامه خصوصی گرفته و بر مبنای آن اتخاذ تصمیم می‌نمایند، بدون اینکه منصبی از طرف دولت کسب نموده باشند، اما تعریف ارائه شده از داوری در رابطه با آنچه که قوانین و حقوق‌دانان در کشورهای مختلف آن را داوری می‌نامند، ناقص است. این تعریف از این نقطه نظر

بسیار گسترده و از بعضی نقطه نظرات دیگر بسیار محدود است، اما امکان ندارد، برای اینکه آن را در طرح حقوق تطبیقی قرار دهند، مبادرت به تشکیل تعریفی انفرادی یا عجیب، اغلب تصنعی از حقوق‌های مختلف نمود. با این وصف ناگزیر از بررسی محتوی و اثرات داوری مستفاد از پیام‌های ساختاری این نهاد خواهیم بود.

جهت وضوح بیشتر باید نمایان گردد که چگونه مفهوم داوری به صورتی که آن را می‌شناسیم بایستی از دیگر مفاهیم متمایز گردد. در هر صورت، طبق ماده ۱ قانون داوری نمونه آنسترال ۱۹۸۵، داوری در صورتی بین‌المللی است که:

(الف) مرکز تجارت طرفین موافقت‌نامه داوری، در زمان انعقاد قرارداد مذکور، در کشورهای مختلف باشد.

(ب) یکی از محل‌های زیر، خارج از کشوری باشد که مرکز تجارت طرفین در آن کشور واقع است.

(ج) طرفین صریحاً توافق کرده باشند که موضوع اصلی موافقت‌نامه داوری به بیش از یک کشور ارتباط دارد.

در خصوص بند (ب) دو حالت ذیل متصور است:

(یک) محل داوری، در صورتی که موافقت‌نامه داوری (تصریح) یا به موجب آن تعیین باشد.

(دو) هر محلی که قسمت اساسی تعهدات ناشی از روابط تجاری بایستی در آن محل اجرا شود یا محلی که موضوع اصلی اختلاف نزدیک‌ترین ارتباط را با آن محل دارد.

در خصوص بند (ج) و جهت اجرای آن:

(الف) چنانچه طرفی بیش از یک مرکز تجارت داشته باشد مرکزی که نزدیک‌ترین رابطه را با موافقت‌نامه داوری دارد، مرکز تجارت او خواهد بود.

(ب) چنانچه طرفی مرکز تجارت نداشته باشد، محل سکونت معمولی او ملاک است.

این قانون نسبت به سایر قوانین این کشور که به موجب آنها اختلافات خاصی را نمی‌توان به داوری ارجاع نمود و یا منحصرأ بر حسب مقررات دیگری غیر از این قانون قابل ارجاع به داوری هستند تأثیری نخواهد داشت.

نکته دیگر اینکه داوری بایستی از کارشناسی متمایز باشد. زیرا کارشناس فقط یک نظر را ابزار می‌نماید، اما برعکس داور

۱. در اینجا قرارداد اعم است از توافقنامه میان اشخاص حقیقی، حقوقی خصوصی و حتی معاهده که میان اتباع حقوق بین‌الملل (سازمان بین‌المللی و دولت‌ها) منعقد و تنظیم می‌گردد.

که حقوق آنچه را که در اصل آیین دادرسی آشتی بوده است با عمل حقوقی به آیین دادرسی داوری تغییر می‌دهد. سازش دوستانه هم در اصل چیزی به جز پیشنهاد راه‌حل به اشخاص ذی‌نفع نبود، اما حکم سازش دوستانه بعدها دارای مختصاتی الزام‌آور و اجباری گردید.

هر دو فرضیه (داوری و دعاوی قضایی) در اغلب نظام‌های حقوقی مختلف مورد تمایز واقع شده‌اند، و در هر مورد واژه مختص به هر کدام را به کار می‌برند. با این وجود رویه عملی نشان می‌دهد که بعضاً تمیز یکی از دیگری کار ساده‌ای به نظر نمی‌آید. وقتی داور ناگزیر به حل یک دعوی قضایی است، اغلب از الزام به رعایت مقررات آیین دادرسی هم در شکل و هم در ماهیت به صورتی که به قضاات تحمیل خواهد شد، معاف می‌باشد.

مسائلی که می‌تواند به یک قاضی ارجاع گردد، از نظر مکان و زمان (مطابق با کشورها و دوره‌ها) متغیر است، محدوده‌ای که یک دعوی قضایی می‌تواند از آن برخوردار باشد، به خصوص با این امر مواجه می‌گردد که آیا مورد بررسی یک کشور دارای نظام اقتصادی آزاد است یا کشوری با نظام اقتصادی طراحی‌شده (عنوان مثال: چین و کوبا). همچنین داوری از دادگستری دادگاه‌ها نیز متمایز است. داور یک شخص حقیقی ساده است. او تصمیم خود را بر مبنای توافقنامه تشکیل شده میان اشخاص ذی‌نفع (اطراف قرارداد) اتخاذ می‌نماید، و آن را به‌عنوان اقتدار اعتماد شده توسط دولت به اطراف تحمیل نمی‌کند.

وجه تمایز میان داوری توافقی و قضاوت دولتی کار ساده‌ای به نظر نمی‌آید، و بعضاً ارائه‌دهنده مختصاتی تا حدودی تصنعی است. زمانی که قانون‌گذار به اطراف قرارداد، تجویز می‌کند که اختلافی را به داوری ارجاع دهند، اغلب اتفاق می‌افتد که بدون انتظار تعیین داور به صورت آمره، جهت انتخاب شخصی که به دعوی آنها رسیدگی نماید تفاهم می‌نمایند. در چنین حالتی خود را در یک داوری احتمالی می‌یابند، به فرض اینکه داوری که در این شرایط انتخاب گردیده، چنین مجوزی که مانند یک قاضی به نام دولت صدور رأی نماید، داده نشده باشد.

اتخاذ تصمیم می‌نماید که به اشخاص ذی‌مدخل تجویز خواهد شد، البته مشروعیت مبنی بر این تحمیل‌ها همانا قبول مقدم آن از طریق قرارداد (توافقنامه اطراف جهل حل اختلاف میان اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی، و معاهده میان دولت‌های اطراف اختلاف در دعاوی بین‌الدولی) می‌باشد، غالباً کارشناسان ساده به‌عنوان «داور» توصیف شده‌اند. همچنین تحت قواعد داوری مرکز، طرفین مکلف هستند بدون هیچ‌گونه تأخیر، رأی داوران را اجرا نمایند. احکام داوری الزامی و معمولاً غیرقابل استیناف و فرجام‌خواهی باشد و طرفین متعهدند که بلافاصله پس از صدور حکم آن را به مرحله اجرا درآورند (۱۵).

«داوری‌های با کیفیت» باعث کثرت داوری‌هایی می‌شوند که در روابط تجاری مداخله می‌نمایند و تردیدی نیست که باعث تأسیس نهادهای داوری احتمالی می‌گردند. با این وجود در اغلب کشورها واژه‌ای که به آن مربوط است مشوش است. قانون‌گذار و قضاات نسبت به داوری با توجه به اینکه به نظر آنها تهدیدی برای انحصار دولتی مدیریت قضایی و حقوق دولتی تلقی می‌گردد، اغلب با دیده ابهام نگریسته‌اند. با وجود این چنین خصومتی در داوری‌های باکیفیت تأثیر عمیقی نداشته است. منظور از داوری‌های با کیفیت داوری‌هایی است که در آن داور دعوت به تصمیم در مورد مسائل فنی شده است که از صلاحیت قضاات خارج می‌باشد.

همچنین داوری با آشتی متفاوت است، تشویش موجود میان داوری با آشتی اغلب ناشی از اثر شناسایی اقتدار نصفت توسط داوران می‌باشد. در آشتی لازم است که راه‌حل پیشنهاد شده از طریق میانجی توسط شخص ذی‌نفع مورد قبول واقع شود و مادام که قبول ننموده‌اند، الزام‌آور نخواهد بود، اما برعکس، تصمیم داور به اشخاص ذی‌نفع (اطراف قرارداد داوری) خارج از هرگونه پذیرشی از طرفشان به آنها تجویز می‌شود.

اصولاً وجه تمایز میان آشتی و داوری واضح است، اما در رویه عملی ممکن است این وضوح برقرار نباشد. فشار افکار عمومی، ممکن است چنین ایجاب نماید که احساس شود بایستی قضیه‌ای با آشتی تمام شود. غالباً چنین پیش می‌آید

نتیجه‌گیری

توسعه نهاد داوری در قلمرو حقوق بین‌الملل نیز تحولات عمده‌ای ایجاد می‌نماید و شناخت جزئیات آن عملاً به دولت‌ها در فیصله مسائل صلاحیتی نهاد مزبور کمک بسیاری می‌کند. لذا ایجاد یک نظام حقوقی در جامعه بین‌الملل بسیار حائز اهمیت است، اما موضوع مهم‌تر آن است که حقوق بین‌الملل را چه مرجعی باید وضع کند. در وضعیت کنونی دولت‌های مستقل و دارای حاکمیت به دشواری از منافع ملی خود به نفع جامعه بین‌المللی صرف‌نظر می‌کنند. اصول و قواعدی که آنها در رابطه با یکدیگر ایجاد می‌کنند پیش از آنکه امتیازی در جهت منافع جامعه بین‌الملل باشد، استثنایی است بر معیارهای کلی حاکم بر این جامعه. بدین ترتیب در این وضعیت هیچ نهادی شایسته‌تر از مراجع بین‌المللی برای سامان دادن نظم جهانی نیست که نهاد داوری از این جهت قابل توجه است، هرچند اصولاً دادگاه‌ها مجری حقوق هستند و نه واضع آن، با این حال باید خاطرنشان کرد که برخلاف جوامع داخلی در جامعه بین‌الملل یک مرجع واقعی برای وضع قانون وجود ندارد و این نیز یکی از چالش‌های پیش‌روی نهاد داوری است. این خلاء به خودی خود سبب آشفتگی نظام حقوقی موجود می‌شود و باعث رویگردانی دولت‌ها از قواعد حقوقی در سطح جهان می‌شود.

نهاد داوری تحولات و چالش‌های زیادی را از سر گذرانده است. با این حال، ایجاد خرد جمعی بر مبنای حضور بازیگران نقش‌آفرین در صحنه حقوق بین‌الملل تا حدود زیادی می‌تواند تصمیمات این نهاد را به شکل قابل توجهی عملی سازد. ضمن اینکه دوری‌گزینی از تصمیمات قدرت‌های بزرگ و پرهیز از سیاسی‌کاری در آراء و احکام صادره می‌تواند وجهه مناسبی برای این نهاد بر جای بگذارد.

References

1. Mirabbasi. B. Sadatmeidani. H. International Court of Justice. Tehran: Publisher Jongol; 2005.
2. Amid zanjani. A. A. Concepts of international law from the point of view of Islamic Jurisprudence. Tehran: Publisher Office Islamic Culture; 1983.
3. Cristian Sen. A. Iran during the Sassanids. Trans by: Yasemi. R. Tehran: Publisher Sedaye Moaser; 2001.
4. The Holly Quran: Hojarat 10: Al-Nesaa 128.
5. Hore Ameli. M. H. Vesael Al-Shieh. Qom; Publisher Al-Albeiyt; 1992.
6. Najafi Irand Abadi. A.H. United Nations Criminal policy. Journal Of Legal Research. 1996: 1 (18); pp. 278-356.
7. Sharl. R. General International Law. Trans by: Hekmat. M. A. Tehran: Publisher University Of Tehran; 2001.
8. Ziaei Bigdeli. M. R. General International Law. Tehran: Publisher Ganj Danesh; 1978.
9. Majdi Nasab. E. A. History of International Dispute Resolution. 1996: 1 (18); pp. 75-99.
10. Smith. G. internet law and regulation. London: Publisher Sweet and Maxwell; 2002.
11. Mohebi. M. The Legal nature of the Iran-US Arbitration Court from the perspective of international law. 1991: 74 (19); pp. 95-144.
12. Khavar. M. Jurisdiction of the International Court of Justice. Tehran: Publisher Commerical Bank of Iran; 1974.
13. Abbasi. M. Restorative justice, a new perspective on Criminal Justice. Journal of Law and Policy Research. 2003: 1 (9); pp. 85-129.
14. Raiesi. L. Intellectual Property Dispute Resolution System. Tehran: Publisher Jongol; 2009.
15. Najafi Asfad. M. Davari. F. Resolving disputes arising from the registration of Trademarks in Iranian law and international documents. Tehran: Publisher Khorsandi; 2016.